

تأثیر مدیریت شهری بر احساس رضایتمندی شهروندان

(مطالعه موردی محله حاشیه نشین خاک سفید «گلشن» منطقه ۴ تهران)

دکتر اسماعیل غلامحسینی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۱/۱۰

دکتر سید محمد میرسندسی**

تاریخ تأیید مقاله: ۹۴/۱۲/۰۵

خلیل قنبرزادگان***

صفحات: ۹۹-۱۲۳

چکیده

یکی از محورهای مهم مدیریت شهری جدید، به ویژه در کلانشهرها ساماندهی و مدیریت محلات حاشیه‌ای یا به تعبیری اسکان‌های غیررسمی است. مجموعه‌های که به لحاظ کیفیت پایین زندگی، چالشی اساسی برای کلانشهرها به حساب می‌آید. این مناطق پتانسیل بالایی برای انواع آسیب‌ها و مسائل اجتماعی دارا بوده و در صورت بی‌توجهی می‌توانند تمامی هستی یک شهر را تهدید نمایند. این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از شیوه و ابزار پیمایش و پرسشنامه به انجام رسیده است. جامعه آماری این پژوهش شامل ساکنین بالای ۲۰ سال محله گلشن (خاک سفید) منطقه ۴ شهری تهران می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از روش آماری کوکران محاسبه و تعداد ۲۲۰ نفر تعیین و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انجام شده است. پرسشنامه‌های تهیه تکمیل شده بوسیله نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گ. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که عملکرد مدیریت شهری بر شاخص‌های نحوه ارتباط شهروندان با مدیران شهری، کیفیت خدمات شهری و زیرساختها، کیفیت حمل و نقل، میزان رضایت از بعد اقتصادی و اجتماعی به غیر از چند گویه که در تجزیه و تحلیل به آن اشاره شده روند افزایشی داشته است. بیشترین درصد رضایت مربوط به کیفیت آب آشامیدنی و کمترین رضایت مربوط به فضای پارک خودروی شخصی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، حاشیه‌نشینی، رضایتمندی، کلانشهر

a.asadi35@yahoo.com

* استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

rostaeh@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت بحران

alaiseifpoor2@gmail.com

*** پژوهشگر مرکز مدیریت بحران جامع امام حسین(ع)

مقدمه

در حال حاضر بخش قابل توجهی از دل مشغولی مدیران اغلب جوامع انسانی را مدیریت مجموعه‌های شهری و ارائه خدمات به ساکنان این مناطق تشکیل می‌دهد، بخصوص اگر زندگی شهری به تعبیر ابن خلدون همزاد مصرف و رفاه بوده و این تجمل و رفاه به حدی رونق و اشائه پیدا کرده باشد (جمالی، ۱۳۸۱، ۱۰). روند شهرنشینی جهان به ویژه پس از جنگ جهانی دوم آنچنان سریع بوده است که پژوهشگران مسائل شهری را دچار حیرت ساخته است. قرن ۲۱ در حالی آغاز شد که حدود نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و انتقال شهری تقریباً صورت گرفته است. شهرنشینی با چنان سرعتی به پیش می‌رود که در تاریخ بی‌سابقه می‌باشد. امروزه شهرنشینی با افزایش سرسام آور از ۱۸ درصد در سال ۱۳۰۰ به بیش از ۶۵ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است (نقدی، ۸۵، ۱۳۸۹).

کشور ایران، مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بعد از دهه ۱۳۳۰ از نظر افزایش جمعیت، رشد شهرنشینی و نیز تمرکز جمعیت شهرنشین در مراکز استان‌ها و همچنین پایتخت، چنان بی‌رویه رشد کرده که کنترل، هدایت و مدیریت مسائل شهری و به ویژه معضلات تبعی آن در عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی، فضایی و امنیتی به یکی از دغدغه‌های مدیریت ملی و منطقه‌ای تبدیل شده است. بنابراین تداوم مهاجرت و به موازات رشد طبیعی جمعیت و گسترش ابعاد فضایی فعالیت‌ها، به رشد فضایی حاشیه کلان‌شهر تهران، ابعاد وسیعی بخشیده و مشکلات متعددی نظیر مسکن، کارگاه‌های آلاینده اجتماعی و استفاده بدون برنامه از زمین، عملاً نابسامانی‌های شدیدی را در استقرار جمعیت و فعالیت آنان به وجود آورده است. علاوه بر این، ماهیت مناطق پیرامونی تهران به صورت حاشیه نشین یا سکونت غیررسمی می‌باشد که ساختار شناسی آن دلایل متعددی را نظیر ماهیت الگوی توسعه، خواست نظام اقتصاد سیاسی و همچنین رویکرد برنامه‌های توسعه

شهری را به عنوان علت بروز این وضعیت نشان می‌دهد. به هر حال مناطق کلان‌شهری کشور و به ویژه تهران با مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای از رهگذر ماهیت نظام غیررسمی سکونت و فعالیت، شرایط اجتماعی حاکم بر آن و ماهیت و رویکرد نظام در برخورد با این مناطق روبرو بوده است، معضلاتی مانند: گسترش آسیب‌ها و ناامنی‌های اجتماعی (طلاق، قتل، بزه‌کاری، دزدی، اعتیاد و ...)، ازدحام ترافیک و کمبود زیرساخت‌ها و شبکه‌های حمل و نقل، تقلیل مؤلفه‌های امنیت فردی و اجتماعی، نزول کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های پیرامونی و بحران‌های حاکم بر این مناطق نظیر بحران مسکن، امنیت، خدمات، ازدیاد فقر و فاصله طبقاتی، جدایی‌گزینی اکولوژیکی و پیامدهای منفی ناشی از آن و بسیاری مسائل دیگر که گریبان کلان‌شهرها و مدیران شهری را فرا گرفته است (کارگر ۱۳۹۰: ۷-۸).

مدیران شهری راهکارهای متفاوتی را نظیر: ۱- بهسازی فضاهای حاشیه‌نشین ۲- نوسازی فضاهای حاشیه‌نشین ۳- جابجایی و اسکان در مکان جدید ۴- ایجاد زمینه‌های لازم برای بازگشت افراد به موطن اصلی ۵- استفاده از شاخص‌های حکمرانی مطلوب شهری جهت برخورد با مناطق حاشیه‌ای استفاده نموده‌اند که هرکدام از این راهکارها اثرات و پیامدهای خاص خود را دارد. نخبگان دانشگاهی تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای در خصوص نحوه برخورد با این مسئله انجام داده‌اند و به نتایجی دست یافته‌اند، هر کدام از تحقیقات به جنبه‌ای از مشکل پرداخته و از زوایای مختلف با آن نگرسته‌اند: با بررسی تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته به این نتیجه دست یافته‌ایم که پایین بودن حس مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی، کمبود و ضعف در ارائه خدمات شهری، عدم توجه به نیازهای ساکنین این مناطق، موجب ایجاد نارضایتی بین شهروندان شده و زمینه‌های بروز یا تشدید بحران را در این مناطق فراهم می‌آورد.

چگونگی برخورد مدیریت شهری با پدیده حاشیه نشینی همواره می‌تواند پیامدهای مختلفی از خود بر جای بگذارد: کاهش روند حاشیه نشینی، ادغام و ترکیب حاشیه با متن شهر به شیوه صحیح، حذف یا جابجایی کانون‌های بحران‌زای حاشیه‌ها از یک نقطه به نقطه دیگر و یا تشدید کانون‌های بحران ناشی از حاشیه نشینی برخی از پیامدهای متصور از نحوه برخورد مدیریت شهری با این پدیده است. محقق با انجام این تحقیق در پی آنست تا بداند عملکرد مدیران شهری در منطقه گلشن (خاک سفید) تا چه میزان بر رضایت شهروندان اثر داشته است.

شهر و ضرورت مدیریت شهری

شهر مجموعه‌ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط‌های ساخته شده توسط انسان است که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده است. جمعیت در این مجموعه به صور منظمی درآمد و آداب و رسوم را برای خود ابداع کرده است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۰). شهر در حیات مدنی از سه رکن اصلی شهروند، کالبد شهر و مدیریت شهری تشکیل می‌شود. شهروند و مدیریت شهری ماهیتی فاعلی دارند و کالبد شهری ماهیتی انفعالی، انسان بنا به مدنی الطبع بودن میل به شهروندی دارد و نیازمند حیات مدنی است و مدیریت شهری مکلف به سازماندهی و مدیریت کالبد شهر است. در تعریف شهر به مثابه زندگی مدنی، کیفیت زندگی شهروندان میزان سنجش است. در این مفهوم از شهر، همه اقدامات کمی برابر آن است که شادابی و نشاط در چهره شهروندان ظاهر شود و حیات فرهنگی _ اجتماعی مطبوع در شهر جریان یابد (بهشتی، ۱۳۷۹: ۴۱).

نظام مدیریت شهری با هدف اداره مطلوب امور شهر، سعی دارد، روابط میان عناصر شهری را هماهنگ سازد، به دلیل گستردگی و میان رشته‌ای بودن سیستم مدیریت شهری به مثابه یک سیستم باز، عوامل مختلفی در آن دخالت دارد و بدون

شناخت این سیستم نمی‌توان عناصر و روابط را در جهت اهداف آن تغییر شکل داد، زیرا هنر برنامه ریزی، شناخت عناصر سیستم و ایجاد روابط بین آن عناصر است، به نحوی که این مجموعه عناصر در جهت هدف سیستم عمل کنند. بی‌توجهی به اجزاء و همچنین عدم کشف روابط و میزان تأثیر هر یک از عناصر در نظام تصمیم‌گیری هرگز به یک نظام تصمیم‌گیری منسجم، مؤثر و معطوف منجر نخواهد شد (جمشیدزاده، ۱۳۸۱: مقدمه).

هدف تئوریک مدیریت شهری، تقویت فرایند توسعه شهری است به نحوی که در سطح متعارف جامعه زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم شود. در قالب این اهداف کلان می‌توان سه هدف خرد فراگیر برای تمامی سیستم‌های مدیریت شهری به شرح ذیل تعیین کرد: حفاظت از محیط فیزیکی شهر - تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار - ارتقاء شرایط کار و زندگی کلیه شهروندان (کاظمیان، ۱۳۸۴: ۵۶). مدیریت شهری: عبارت است از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر است. با توجه به این که شهر دارای نظامی باز است، مدیریت شهری، بیشتر حیطه‌ی کالبدی شهر را در بر می‌گیرد. هدف کلان مدیریت شهری، ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه و همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی است (کارگر، ۱۳۸۳: ۱۲).

مدیریت شهری را می‌توان سازمانی فراگیر و در برگیرنده اجزای رسمی و غیر رسمی مؤثر و کارآمدی دانست که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر تأثیر دارند و با ماهیت چند عملکردی در حوزه سیاست‌گذاری برنامه ریزی و اجرا بر آن هستند تا با اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر پردازند و افزایش کیفیت زندگی شهروندان و رفاه شهروندی را محقق گردانند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۵).

تعریف عملیاتی مدیریت شهری

مدیریت شهری به عنوان یک سیستم باز مدیریتی عمل نموده و دنبال‌کننده اهدافی، نظیر حفاظت از محیط فیزیکی شهر، ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان، بهره‌گیری از نقش و جایگاه شهروندان به دنبال ایجاد محیطی امن برای زندگی شهروندان جهت دست‌یابی به عدالت اجتماعی و رضایت عمومی می‌باشد. کلان‌شهرها و مدیریت آن‌ها اصولاً پیدایش و رواج اصطلاح مدیریت شهری به مفهوم جدید آن را باید نتیجه تلاش‌های نظری و عملی برای غلبه بر انبوه مشکلات موجود در کلان‌شهرها به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم را دانست (کاظمیان، ۱۳۸۲: ۴۳).

کلان‌شهر یا مادر شهر در نظریه‌ی مکان مرکزی، به شهری گفته می‌شود که حداقل دارای یک میلیون نفر جمعیت باشد و در سلسله مراتب شهری بتواند به صورت مرکز کنترل اقتصاد جدید در آید و بر ناحیه‌ای دارای ۵ تا ۳۰ میلیون نفر جمعیت مسلط شود (کاظمیان، ۱۳۸۶: ۴۳).

مگالوپولیس، اصطلاح ژان گاتمن، جغرافیدان فرانسوی، برای منطقه شهری، چند شهری و چند مرکزی است. البته این واژه قبل از آن هم توسط پاتریک گدس و لوییس مامفورد استفاده شده است. امروزه مگالو پولیس به منطقه شهری وسیعی گفته می‌شود که بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت داشته و دارای بیش از یک مادر شهر باشد (رفیعیان و حسین پور، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۸).

کلان‌شهرها و جایگاه مدیریت شهری

همبستگی اکولوژیک کلان‌شهر و مناطق پیرامونی آن، هم‌کنشی یا تأثیرات مثبت و منفی متقابل میان مجموعه مراکز زیست و فعالان کلان‌شهرها و پراکنش و خیزش کلان‌شهری در حومه از مهم‌ترین مشخصات کلان‌شهرهاست که لزوم بکارگیری مدیریت شهری یکپارچه را می‌طلبد.

رسیدن به نقطه پویایی شهر نیازمند مدیریتی جامع است تا با ساماندهی، برنامه ریزی، هدایت و کنترل منابع، سطح قابل قبولی از یک زندگی شهری فراهم شده و نیازهای اساسی و حیاتی انسان تأمین گردد. تجربیات موفق سیستم‌های مدیریت شهری در کلان‌شهرهای جهان نشان دهنده این حقیقت است که علم مدیریت شهری قدرت اداره شهرها را با امکانات موجود به بهترین نحو ادا می‌باشد و با به‌کارگیری این علم می‌توان به کامل‌ترین شکل جامعه جهانی که شایسته انسان است دست یابد (رضویان، ۱۳۹۲: ۷۳).

اهداف و راهبردهای مدیریت شهری

به طور کلی اهداف هر پروژه تعیین کننده راه‌های دستیابی به نیازهای جامعه به شماره می‌آیند. یعنی نیازهای برطرف نشده باعث شکل‌گیری اهداف و سپس فعالیت برای دستیابی به اهداف می‌شود. پس برای بیان اهداف مدیریت شهری اول باید نیازهایی که باعث ایجاد نظام مدیریت شهری شده است را بیان کرد که عبارتند از:

* نیاز به ارتقای کار و زندگی همه مردم شهر

* نیاز به حفاظت از محیط کالبدی شهر

با توجه به این نیازها هدف اصلی مدیریت شهری «پدید آوردن شهری سالم» است. از جمله ویژگی‌های شهر سالم عبارت است از:

فضای زندگی با کیفیت، محیط زیست پایدار، جامعه منسجم، مشارکت بالای مردم در اخذ تصمیم‌ها، تأمین نیازهای اساسی برای همه مردم شهر، اقتصاد پویا، بهداشت مناسب و غیره (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۴۵).

در قالب این هدف کلان می‌توان سه هدف خرد فراگیر برای تمام سیستم‌های مدیریت شهری به شرح زیر تعیین کرد:

- حفاظت از محیط فیزیکی شهر
 - تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار
- ارتقاء شرایط کار و زندگی کلیه شهروندان با توجه ویژه به افراد و گروه‌های کم درآمد

مبانی نظری تحقیق

دیدگاه اصلاح طلب

ادامه جنبش اصلاح طلب اوایل قرن بیستم بود که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به اوج خود رسید و از صاحب‌نظران این دیدگاه می‌توان «رابرتوود» با کتاب «۱۴۰۰ دولت» را نام برد. هدف جریان اصلاح طلبی بعد از جنگ جهانی دوم (برعکس منطقه گرائی اوایل قرن ۲۰) تنظیم و هدایت الگوهای سکونت گاهی، خوشه‌های صنعتی و سرمایه گذاری‌های زیر ساختی در موزائیک به هم پیوسته شهری، حومه‌ای و منطقه‌ای، در درون یک منطقه کلان‌شهری بود. آن‌ها مشکل اصلی را تعداد زیاد نهادهای دولتی محلی (از جمله شهرداری‌ها) و ساختار تفکیک یافته می‌دانستند و معتقد بودند که ناکارایی و موثر نبودن در ارائه خدمات کلان‌شهری به دلیل عدم هماهنگی بین نهادهای موجود می‌باشد. از دیگر مسائل مورد توجه این مکتب، نابرابری مالی بین شهرداری‌های موجود بود. از نظر آن‌ها خدمات عمومی محلی با بی عدالتی تقسیم می‌شد که انعکاسی از تفاوت‌های اقتصادی موجود در بین شهرداری‌های مختلف کلان‌شهری است. در عرصه طرح‌های شهری هم وجود نهادهای محلی متعدد و ناهماهنگ موجب تهیه طرح‌های متعدد، ناهماهنگ و حتی متضاد می‌شود پس اصلاح طلبان خواستار اصلاح ساختار موجود و یکپارچگی نظام تصمیم‌گیری و مدیریت شدند و راه حل را در تشکیل ساختاری فراگیر دیدند که کل منطقه را پوشش دهند. چنین ساختاری باعث توزیع عادلانه منابع مالی بین مدیریت‌های محلی می‌شود و از نظر اقتصادی فراهم سازی خدمات برای کل

منطقه کلان‌شهری به صرفه‌تر خواهد بود و موجب هماهنگی در توسعه منطقه می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۴).

دیدگاه مکتب انتخاب عمومی

این دیدگاه نقطه مقابل دیدگاه اصلاح طلب است. دو شاخه فکری مطرح دارد:
۱- فرض بر این است که دولت‌های محلی متعدد به خاطر نزدیکی بیشتر با مردم، دموکراتیک‌تر هستند. پس وجود دولت‌های محلی متعدد را به دلیل رعایت اصول دموکراسی محلی دارای اهمیت می‌داند.

۲- این دیدگاه مبتنی بر اصول اقتصاد کلاسیک است که چارلز میلز^۱ آن را مطرح کرد. طرفداران این دیدگاه تشکیل دولت‌های کلان‌شهری و تک مرکزی بودن دولت‌های کلان‌شهری، بسیاری از خدمات شهری را رد می‌کنند چون در این حالت نه نوآوری به دست می‌آید و نه کاهش در هزینه تولید، همچنین وجود نهادهای متعدد برای ارائه خدمات و رقابت بین این نهادها باعث ارائه خدمات بهتر به شهروندان می‌شود و حفظ رقابت فقط در ساختارهای چند مرکزی امکان پذیر است مدل پیشنهادی این دیدگاه، تفکیک عملکردها بین نهادهای متعددی است که هر کدام برای ارائه یکی از خدمات یا حل یک مسئله به وجود می‌آیند و بدین ترتیب استقلال دولت‌های محلی حفظ می‌شوند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۴).

دیدگاه‌های اخیر در مدیریت کلان‌شهری (نو منطقه گرایی)

این دیدگاه در دهه ۱۹۹۰ ظاهر شد و به انتقاد از ساختار تفکیکی نهادی پرداخت و بیان کرد که در شرایط جدید اقتصاد جهانی، یکپارچه سازی نهادی برای جذب منافع و دفع زیان‌های جهانی شدن ضروری است «حکمروایی کلان‌شهری» الگوی پیشنهادی دیدگاه نو منطقه گرایی مطرح می‌شود: در این الگو بجای تاکید بر

1- Charles mills tiebout

ساختارهای نهادی پرحجم، تاکید بر (فرایند های همکاری و مشارکت) است. همچنین تاکید زیادی بر نقش نهادهای غیر دولتی از جمله ساختارهای شبکه‌ای غیر رسمی که برخاسته از جامعه مدنی هستند، شده است و همکاری داوطلبانه بین مدیریت‌های محلی و بستن قرار دادهائی بین نهادهای محلی هم مورد تاکید قرار می‌گیرد. در الگوی حکمروایی کلان‌شهری وظایف عمدتاً حول دو محور قرار دارد: توجه به توسعه اقتصادی و نقش منطقه کلان‌شهری در اقتصاد جهانی که تشدید مزیت‌های رقابتی آن و تلاش برای کسب رتبه‌ای شایسته در منطقه از اهداف آن است. محور دوم شامل، وظایفی که مربوط به قلمرو درونی منطقه است و شامل هم اندیشی و چاره جوی در مسائل زیست محیطی، خدمات و زیر ساخت‌های منطقه‌ای، برقراری عدالت توزیعی و مسائل اجتماعی و فرهنگی با مشارکت تمامی کنش گران است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۶۶-۷۲).

امروزه، مدیریت شهری در جهان تحول اساسی یافته است. شهرها برای آن مدیریت می‌شوند که بتوانند رفاه و آسایش ساکنان خود را تأمین سازند. مدیریت شهری امروز جهان دارای تشکیلات وسیعی شده و مهم‌ترین نقش را در موفقیت انواع برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری بر عهده دارد. رفع نیازهای جمعیت شهر، کنترل و بهبود جریان عبور و مرور در شهر، گسترش رفاه عمومی، ارائه مسکن مطلوب و مورد نیاز، برنامه ریزی کاربردی زمین متناسب با استانداردها و سرانه‌ها، فراهم نمودن بسترهای اوقات فراقت، توسعه فرهنگ، اقتصاد، تأسیسات زیربنایی، حفظ محیط زیست و عرضه عدالت مدارا نه خدمات عمومی و امکانات ساختار مدیریت شهری نوین را تشکیل می‌دهد. مدیریت شهری در سایه پیشرفت علم مدیریت، به کلی متحول گردیده است. امروزه حکومت محلی نه تنها وظیفه برنامه‌ریزی و مدیریت شهر را از حکومت ملی تحویل گرفته بلکه شامل طیف وسیعی از نهادهای رسمی و غیر رسمی، انتفاعی و غیر انتفاعی، مردمی یا دولتی

(شوراهای شهر، شهرداری، سازمان‌های مردم نهاد و غیر دولتی NGOs، انجمن‌های خیریه، نهادهای مذهبی، نمایندگان بخش خصوصی و عمومی، زنان، فعالان حفظ محیط زیست، منتخبان اقشار گوناگون اجتماعی و اقتصادی و نهایتاً کارگزاران دولت مرکزی به عنوان ارائه دهندگان و ناظرین سیاست‌های کلان ملی) می‌شوند. آنان برگزیده ساکنان شهر هستند که باید بر نیکبختی مردم، رفع نیازمندی‌های آنان و گسترش زمینه‌های رشد و تعالی شهر بیندیشند و در یک عملکرد یکپارچه شهروندان را تبدیل به شهروندان مسئول نمایند. برنامه کار مدیریت شهرها نظارت بر عملکرد بخش‌های مختلف و در نهایت رفع مشکلات و تنگناهای ناشی از فعالیت‌های شهر و ایجاد امنیت و آرامش روانی برای ساکنان آن است. مدیریت شهری امروز، علاوه بر آشنایی با فنون مدیریت، باید به گونه‌ای اعمال شود که با توجه به مسایل اجتماعی و اقتصادی، بر مبنای الگوهای خاص متناسب با فرهنگ بومی به اعمال نقش پردازد. گسترش فزاینده شهر و شهرنشینی همراه با رویکردهای نوین در مدیریت شهری بر این نکته اشاره دارد که باید با نگاهی جدید به ساختار مدیریت شهری امکان بهبود کیفی زندگی را در شهرها فراهم کرد (رضویان، ۱۳۹۲: ۱۴).

بر اساس اسناد منتشر شده از سوی کمیسیون سکونت گاه‌های انسانی سازمان ملل (UNCHS) در سال ۱۹۹۳، اهداف مدیریت شهری شامل الف: ارتقاء شرایط کار و زندگی همه ساکنان شهر با توجه ویژه به کسانی که موقعیت پایین تری در برآوردن نیازها و حفاظت از حقوق و شئون خود دارند ب: تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار ج: حفاظت از محیط کالبدی می‌شود (طاهر خانی، ۱۳۷۹: ۴-۵).

در ادامه فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی در زمینه بهبود مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه، مفهوم حکمروایی شایسته شهری مطرح شد که در ایران به مدیریت (حکمرانی مطلوب)، خوب یا کارآمد شهری نیز ترجمه شده است. این مفهوم در پی آن است تا نقش دولت را در حد هماهنگ کننده و پاسدار قوانین

محدود کند و از دخالت مستقیم آن در تصمیم‌گیری‌ها، اداره و اجرای امور مربوط به زندگی ذینفعان بکاهد. در این نظام شهروندان نقش رئیس اصلی اجرایی شهر را بر عهده دارند که قدرت آن‌ها متکی بر آراء مستقیم یا غیر مستقیم مردم از طریق شوراهای شهر و منتخب مردم است. مردم در اشکال، احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و انجمن‌ها و انواع گروه‌های داوطلب در اداره، ساماندهی شهر و اقدام‌های اجرایی اساس حکمروایی شایسته شهری است. همچنین با انتخاب نمایندگان شوراهای شهری و محلی در حاکمیت شهری حضور غیرمستقیم می‌یابند (کاظمیان، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۸).

حکمروایی خوب شهری

یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده، موضوع حکمرانی خوب است. این موضوع به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. حکمرانی ایده جدیدی است که جایگزین مفهوم حکومت شده است. طبق مفهوم فوق، تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر و کلان‌شهرها با اجماع کل صاحبان منافع دخیل در شهر صورت می‌گیرد. برای هموار سازی بستر تحقق‌گذار از حکومت گرایی به شهروندمداری نیازمند آموزش‌های جدید برای ایجاد و تثبیت حاکمیت قانون و حقوق شهروندی، وفاق گرایی، مشارکت، پاسخگویی و شفافیت، کارایی و اثربخشی هستیم که ضرورت اخذ آن هم برای شهروندان و هم مدیران و کارگزاران شهری روشن و واضح است.

برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های از بالا به پایین و آمرانه که توسط دولت مرکزی صورت می‌پذیرفت، توسط مدیریت مشارکتی که مبتنی بر حکمرانی خوب است، به چالش کشیده شده است. مفهوم حکمرانی بر همیاری حکومت و جامعه مدنی

مبتنی است. این مفهوم بر این اصل بنیادی استوار است که حکومت‌ها به جای آنکه به تنهایی مسئولیت کامل اداره جامعه را در تمام سطوح آن بر عهده گیرند، بهتر است در کنار شهروندان، بخش خصوصی و نهادهای مردمی، به عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه محسوب شوند. با این تعبیر، حکومت نقش تسهیل کننده و زمینه ساز توسعه جامعه را در سطوح ملی، محلی و شهری ایفا می‌کند. با ورود شهروندان یا به مفهوم سازمان یافته تر آن، جامعه مدنی، به عرصه تصمیم گیری و سیاست‌گذاری، جریان اداره کشور از یک نظام اقتدارگرا و آمرانه به فرایندی مردم سالار و مشارکتی تبدیل خواهد شد.

حاشیه‌نشینی

فضاهای زندگی غیررسمی و نامتعارف شهری که بازتاب فضایی بیمارگونه از اقتصاد و مدیریت ضعیف و برنامه‌ریزی فضایی - منطقه‌ای و معلول بی‌عدالتی‌های اجتماعی - اقتصادی در سطوح ملی - استانی و محلی است. اصولاً حاشیه‌نشینی نوعی بی‌سازمانی فضایی - اجتماعی است که به شکل مستمر اصول و راهبردهای توسعه پایدار جامعه را به چالش می‌کشد. این پدیده در بستر اجتماعی متأثر از اختلال کارکردی در نظم اجتماعی و نابرابری در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که در عمق، مسائل اساسی نظیر فقر، تورم، مهاجرت، حاشیه‌نشینی را تولید می‌کند و در سطح آسیب‌ها، انحرافات و آشفتگی اجتماعی را در حوزه امنیت اجتماعی باز تولید می‌کند (کارگر، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

آنچه از تعاریف گوناگون بر می‌آید این است که حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه، غالباً از مهاجرین تشکیل می‌شود که بنا به علل مختلف، شهرهای بزرگ را هدف قرار داده‌اند، ولی به دلیل پایین بودن سطح مهارت‌های فنی و فقدان سرمایه کافی، قدرت ورود به متن اصلی شهر را نداشته و ناگزیر به گزینش زندگی حاشیه‌ای شده‌اند. مکان‌گزینی این قبیل اجتماعات اغلب در زمین‌های نامرغوب و

یا ارضی حاشیه شهرها و به صورت غیرقانونی صورت گرفته است فقر اقتصادی، پایین بودن سطح سواد و بالا بودن میزان جرائم و کمبود خدمات زیر بنایی و مسکن بی‌دوام و خلق‌الساعه، از خصوصیات مشترک مناطق حاشیه‌نشین به شمار می‌رود به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت که مناطق حاشیه‌نشین، محدوده‌های خاصی از شهرها هستند که به لحاظ شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی تفاوت آشکاری با سایر مناطق شهری دارند (شکوهی، ۱۳۷۵: ۱۰).

روش تحقیق

پژوهش در مورد جامعه، مدیریت شهری، مستلزم مطالعه مجموعه‌ای از عوامل عینی و ذهنی و تحلیل روابط علی آن‌هاست. این گونه مطالعه به دیدگاه کلی نگر و سیستمی نیاز دارد که لزوماً به مطالعه و تحلیل ابعاد تاریخی، نظری و تطبیقی دیدگاه‌ها، الگوها و تجارب حاصله، مربوط می‌گردد.

با توجه به ماهیت و ابعاد موضوع مقاله، می‌توان گفت که این مطالعه از نوع تحقیقات تبیینی - کاربردی است که با شناخت عمیق علل و عوامل و تحلیل بار کیفی و ارزشی پدیده‌های مربوط به محیط انسانی سروکار دارد (حافظ نیا، ۱۳۷۷: ۱۵).

نتایج این تحقیق می‌تواند برای مدیران شهری، پایگاه‌های مدیریت بحران که به نوعی از مشکلات حاصل از مناطق حاشیه‌ای رنج می‌برند و دغدغه ایجاد امنیت، ساماندهی و توانمند سازی این مناطق را طبق اصول حکمرانی مطلوب را دارند می‌توانند مفید فایده باشد. تعمیق بخشیدن به نظریه‌های موجود و نیز کار بست یافته‌های پژوهش میدانی در حل یک مسئله و رفع نیازمندی‌های جامعه دو مشخصه اصلی این مطالعه محسوب می‌گردد.

با توجه به اینکه این مقاله وضع موجود را بررسی کرده و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی پدیده مدیریت شهری و حاشیه نشینی و ارتباط این پدیده با دو متغیر مدیریت شهری و حاشیه نشینی و تأثیر آن بر رضایتمندی را بررسی نموده

است، تحقیقی توصیفی به شمار می‌آید. ضمن اینکه برای برنامه ریزی و آینده نگری، انجام تحقیق توصیفی ضروری می‌باشد. جامعه آماری شامل ساکنین بالای ۲۰ سال محله گلشن (خاک سفید) ناحیه ۶ منطقه ۴ شهری تهران می‌باشد. از بین این جامعه و با استفاده روش آماری کوکران حجم نمونه ۲۲۰ نفری انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری در این مقاله، نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای- تصادفی می‌باشد. توضیح آنکه، نمونه‌گیری در دو بعد اجتماعی و جغرافیایی انجام گرفته، به این صورت که منطقه مورد مطالعه به خوشه‌های جغرافیایی تقسیم و در هر یک از این خوشه‌ها، شهروندان با توجه به طبقه‌بندی گروه‌های اجتماعی، به خوشه‌های مختلف اجتماعی تقسیم شده و نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام گردیده است. در این تحقیق از پرسشنامه پیش ساخته استفاده گردید و پس از گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ها تهیه و اطلاعات آن‌ها وارد بسته نرم‌افزاری spss گردید و با تجزیه و تحلیل، میزان تأثیر عملکرد مدیریت شهری را بر مؤلفه‌های رضایتمندی مورد بررسی قرار گرفت.

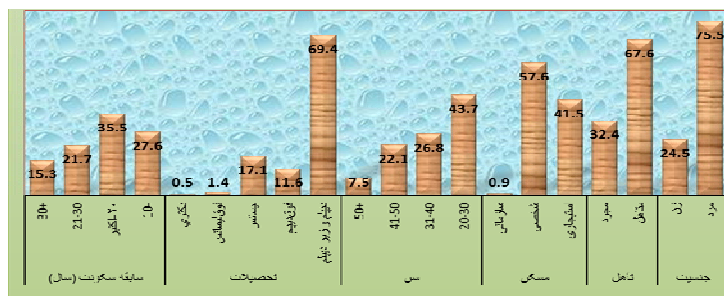
ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های رضایتمندی

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۱	اقتصادی	هزینه و درآمد	هزینه زندگی
			درآمد ماهانه
			امکان پس‌انداز
		مسکن	استطاعت تأمین مسکن
			کیفیت مسکن
		اشتغال	نرخ بیکاری
			فرصت‌های شغلی
۲	اجتماعی	اعتماد اجتماعی	میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی
			احساس تعلق و دلبستگی به محله
			اعتماد و اطمینان شهروندان به مسئولین
			تغییر نگرش شهروندان نسبت به ماهیت و نام محله

(ادامه) جدول توزیع فراوانی پاسخگویان

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۳	خدمات شهری و زیرساخت‌ها	امنیت	احساس امنیت در محله
			کیفیت رسیدگی پلیس به تماس‌ها
			امنیت در برابر سوانح طبیعی
			کیفیت رسیدگی آتش‌نشانی به تماس‌ها
		مشارکت و تشریک مساعی	حق رأی دادن
			حق تصمیم‌گیری شهروندی
		سلامت و بهداشت	سرانه بیمارستان و درمانگاه
			سرعت عمل اورژانس
			سرعت عمل آتش‌نشانی
		سرانه آموزشی، فرهنگی، ورزشی و اوقات فراغت	تعداد و سرانه مراکز آموزشی
			تعداد و سرانه مراکز فرهنگی
			تعداد و سرانه مراکز ورزشی
			تعداد و سرانه اماکن تفریحی
			کیفیت نظافت جوی آب
			کیفیت آب آشامیدنی
			جمع‌آوری و بازیافت زباله
			آراستگی و نظافت ظاهری
			کیفیت آب آشامیدنی
۴	سیاسی و اداری	خدمات شهری	نظافت و آراستگی شهر
			فضای پارک خودرو
		کیفیت حمل و نقل عمومی	کیفیت معابر پیاده‌رو شهری
			در دسترس بودن وسایل نقلیه عمومی
			کیفیت وسایل نقلیه عمومی
			کیفیت معابر خیابان‌ها
		زیرساخت‌های شهری	کیفیت شبکه فاضلاب و انهار
			دلپذیری فضاها شهری
		عملکرد و ارتباط شهروندان با مدیران شهری	میزان دسترسی به اطلاعات و شفافیت اطلاع‌رسانی
			حق مشارکت سیاسی
			مهیا بودن شرایط پیشرفت و موفقیت برای همه
			رضایت شهروندان از سیستم اداری و کارکنان شهرداری
			مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مسئولین
			میزان و شیوه ارتباط و دسترسی شهروندان به مسئولین



نمودار توزیع فراوانی پاسخگویان

نتایج:

جدول ۱: شاخص‌های مربوط به متغیر عملکرد و نحوه ارتباط با مدیران شهری

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
میانگین	۳/۰۷	انحراف معیار	۰/۸۱۱	حداکثر	۵/۰۰
میان	۳/۰۰	دامنه تغییر	۴/۰۰	تعداد	۲۰۲
نما	۲/۵۰	حداقل	۱/۰۰		

میانگین مربوط به متغیر عملکرد و نحوه ارتباط با مدیران شهری (۳/۰۷) است که با توجه به دامنه تغییر (۴/۰۰) و حداقل (۱/۰۰) و حداکثر (۵/۰۰) این میانگین از میانگین متوسط (۳/۰۰) بالاتر است، یعنی پاسخ‌گویان از عملکرد و نحوه ارتباط با مدیران شهری در حد متوسط رضایت داشته‌اند.

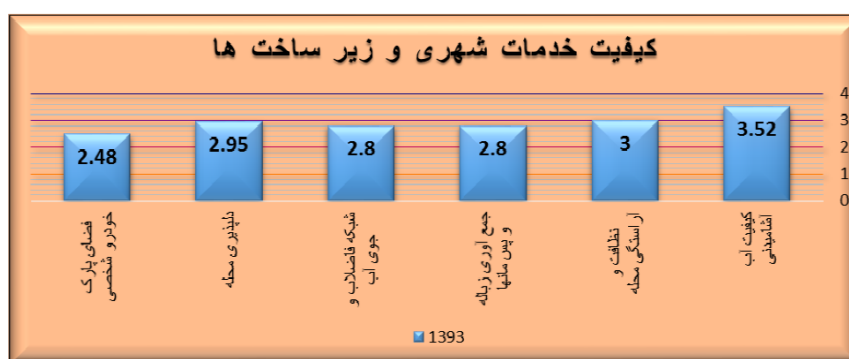


نمودار ۱: نمودار عملکرد و نحوه ارتباط با مدیران شهری

جدول ۲: شاخص‌های مربوط به متغیر کیفیت خدمات شهری و زیرساخت‌ها

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
میانگین	۳/۰۸	انحراف معیار	۰/۷۵۲	حداکثر	۵/۰۰
میانه	۳/۰۰	دامنه تغییر	۳/۶۷	تعداد	۲۰۷
نما	۲/۸۳	حداقل	۱/۳۳		

با توجه به جدول فوق میانگین مربوط به متغیر کیفیت خدمات شهری و زیرساخت‌ها (۳/۰۸) است که با توجه به دامنه تغییر (۳/۶۷) و حداقل (۱/۳۳) و حداکثر (۵/۰۰) این میانگین از میانگین متوسط (۳/۰۰) بالاتر است، یعنی پاسخ‌گویان از کیفیت خدمات شهری و زیرساخت‌ها در حد متوسط رضایت داشته‌اند.



نمودار ۲: نمودار کیفیت خدمات شهری و زیرساخت‌ها

جدول ۳: شاخص‌های مربوط به متغیر رضایت از کیفیت حمل و نقل محله

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
میانگین	۳/۱۳	انحراف معیار	۰/۸۸۲	حداکثر	۵/۰۰
میانه	۳/۱۲	دامنه تغییر	۴/۰۰	تعداد	۲۱۶
نما	۳/۵۰	حداقل	۱/۰۰		

میانگین مربوط به متغیر رضایت از کیفیت حمل و نقل محله (۳/۱۳) است که با توجه به دامنه تغییر (۴/۰۰) و حداقل (۱/۰۰) و حداکثر (۵/۰۰) این میانگین از میانگین متوسط (۳/۰۰) بالاتر است، یعنی پاسخ‌گویان از کیفیت حمل و نقل محله رضایت داشتند و این رضایتمندی را بالاتر از حد متوسط ارزیابی کردند.



نمودار ۳: نمودار رضایت از کیفیت حمل و نقل محله

جدول ۴: شاخص‌های مربوط به متغیر رضایت شهروندان از بعد اقتصادی

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
میانگین	۲/۳۳	انحراف معیار	۰/۹۱۲	حداکثر	۵/۰۰
میانه	۲/۲۵	دامنه تغییر	۴/۰۰	تعداد	۲۱۵
نما	۱/۷۵	حداقل	۱/۰۰		

میانگین مربوط به متغیر رضایت شهروندان از بعد اقتصادی (۲/۳۳) است که با توجه به دامنه تغییر (۴/۰۰) و حداقل (۱/۰۰) و حداکثر (۵/۰۰) این میانگین از میانگین متوسط (۳/۰۰) پایین‌تر است، یعنی پاسخ‌گویان از شهروندان از بعد اقتصادی رضایت کافی نداشتند و در کل این رضایتمندی را پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی کردند.

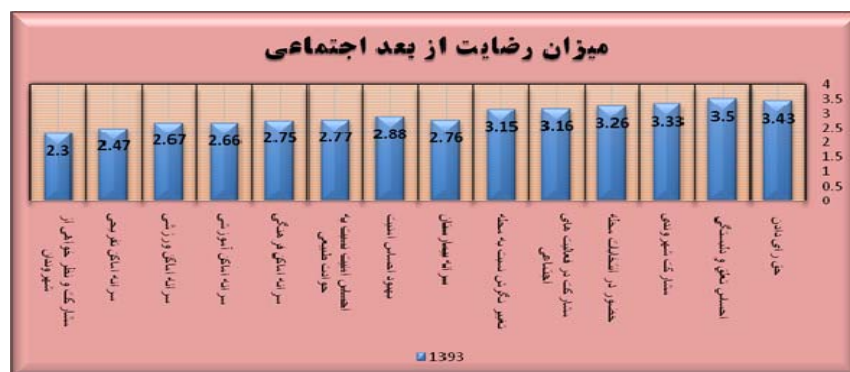


نمودار ۴: نمودار رضایت شهروندان از بعد اقتصادی

جدول ۵: شاخص‌های مربوط به متغیر رضایت شهروندان از بعد اجتماعی

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
میانگین	۲/۹۱	انحراف معیار	۰/۷۰۶	حداکثر	۵/۰۰
میانه	۲/۹۳	دامنه تغییر	۳/۷۱	تعداد	۱۸۰
نما	۳/۲۹	حداقل	۱/۲۹		

میانگین مربوط به متغیر رضایت شهروندان از بعد اجتماعی (۲/۹۱) است که با توجه به دامنه تغییر (۳/۷۱) و حداقل (۱/۲۹) و حداکثر (۵/۰۰) این میانگین از میانگین متوسط (۳/۰۰) پایین‌تر است، یعنی پاسخ‌گویان از شهروندان از بعد اجتماعی رضایت کافی نداشته‌اند در کل این رضایتمندی را پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی کردند.



نمودار ۵: نمودار رضایت شهروندان از بعد اجتماعی

نتیجه گیری

مدیران شهری در طول تاریخ سه رویکرد برای مقابله با اسکان غیررسمی داشته اند. رویکرد نادیده انگاری که در ایام بسیار قدیم به دلیل کم اهمیت دانستن تشکیل این سکونتگاه‌ها اتخاذ می‌گردید. محصول این نوع نگاه توسعه اسکان غیررسمی، تبدیل مسائل ساده به مشکلات و نهایتاً تشکیل بحران‌های شهری بود. رویکرد عدم پذیرش که با آگاه شدن مدیران شهری از مسائل و بحرانهای احتمالی این سکونتگاه‌ها شکل گرفت و نوعی مقابله فیزیکی و رو در رو محسوب می‌شود. عدم پذیرش در دوران اوج گیری این دیدگاه با حرکت‌های تخریب‌گری و اخراج ساکنین این سکونتگاه‌ها نسبت به مدیران شهری محصول این دوره بود. رویکرد توانمندسازی و ظرفیت‌سازی این مناطق، رویکرد دیگری است که خود شهروندان محلی را در مسیر بهسازی سکونتگاه‌ها قرار داد این رویکرد باعث ایجاد سرمایه اجتماعی در میان ساکنین غیررسمی شده و مسیر تحولات آتی را در دستان آنها قرار می‌دهد. در این مقاله پس از بررسی نحوه برخورد مدیران شهری با محله (گلشن) خاک سفید که رویکردی تخریبی همراه با بازسازی و بهسازی منطقه بود، پس از بررسی ادبیات مدیریت شهری و حاشیه‌نشینی و سنخ‌شناسی این دو موضوع و دست‌یابی به ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های رضایتمندی که شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی، خدمات و زیرساخت‌ها، سیاسی و اداری و حمل و نقل می‌باشد گویه‌های مورد نظر احصا گردید و پس از تهیه پرسشنامه و توزیع، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل، یافته‌های تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت و به این نتیجه دست یافتیم که میزان رضایتمندی شهروندان از عملکرد مدیریت شهری در منطقه گلشن (خاک سفید) روندی نسبتاً صعودی دارد.

با توجه به نتایج حاصل شده برای بهبود وضعیت شهروندان پیشنهادات زیر مطرح می‌گردد:

۱. مشارکت، سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب به شمار می‌رود. مشارکت مردم می‌تواند به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و آن‌ها یا نمایندگان منتخب آنها باشد. البته باید دقت کرد که ایجاد دموکراسی الزاماً به معنای دخیل ساختن توقعات و انتظارات اقشار آسیب‌پذیر در اتخاذ سیاست‌ها نیست، بلکه مشارکت باید سازماندهی شده باشد و از طریق ابزارهای تعریف شده محقق‌گردد. آگاهی بخشی، مشارکت شهروندان در خصوص امور محله و بهره‌بردن از حس تعلق بسیار بالایی ساکنین با تقویت نهادهای محله‌ای نوظهور نظیر سرای محله در جهت مردم نهاد کردن برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی با مدیریت محله یک راه حل پیشنهادی می‌باشد.
۲. استفاده بهینه از پتانسیل‌های فوق‌العاده در این مناطق نظیر نیروی جوان جویای کار
۳. ایجاد شفافیت و جریان آزاد اطلاعات در شهرداری
۴. مدیریت ساختارها و فضاهای کالبدی و خدمات شهری متناسب با نیازها و ملاحظات و ضوابط فرهنگی
۵. مشارکت فعال در هویت بخشی دینی و ارائه خدمات شهری به مشاغل و اصناف
۶. پشتیبانی سخت افزاری و حمایت حرفه‌ای و نظری از فعالیت‌های فرهنگی شهری
۷. استفاده سازماندهی شده از پتانسیل سازمانهای غیردولتی (NGOs) در پاسخگویی به مردم و جلب مشارکت آنان در اداره امور شهر از طریق تقویت نهادهای محله‌ای و مشارکت مردمی امکان‌پذیر می‌باشد.
۸. رفاه و سلامت در یک جامعه زمانی به وجود می‌آید که تمام اعضای آن

- احساس کنند در جریان تحولات آن قرار دارند و به نوعی خود را عضو تأثیرگذار پندارند. این موضوع جز با ایجاد فرصت برای افشار آسیب‌پذیر جهت بهبود وضعیت رفاه و آسایش خود میسر نمی‌شود. تأکید بر نقش شهروندان به عنوان افراد دارای حق و حقوق شهروندی و استفاده از قابلیت‌های آنها برای توسعه و افزایش رضایت امری مؤثر و الزامی می‌باشد.
۹. همکاری بین سازمانها و بخشهای مختلفی که به نحوی متولی بخشی از نیازهای این مناطق هستند که قادر به رفع مشکلات این مناطق می‌باشند بخشهای مدیریت شهری (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، انتظامی و ...).
۱۰. تغییر نگرش مدیران، از رویکردهای عدم پذیرش و نادیده انگاری به پذیرش ساکنین این محله برای استفاده از قابلیت و توانایی‌های شهروندان این منطقه باعث افزایش رضایت خواهد گردید.
۱۱. با توجه به اینکه کمترین میزان رضایت شهروندان در شاخص کیفیت حمل و نقل مربوط به گویه فضای پارک خودرو شخصی و آراستگی خیابانها می‌باشد پیشنهاد می‌گردد جهت افزایش رضایتمندی به این مؤلفه‌ها بیشتر اهتمام گردد.

منابع

۱. بهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۹)، شهر و حیات مدنی، فصلنامه رواق، انتشارات سازمان فرهنگی - سیاحتی کوثر، شماره ۵.
۲. جمشیدزاده، ابراهیم، (۱۳۸۱)، مدیریت شهری - اهداف و راهبردها، ماهنامه تدبیر، سال سیزدهم، شماره ۱۲۰، بررسی امکان‌پذیری تمرکززدایی در تصمیم‌گیری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت.
۴. رضویان، محمدتقی، فرانک سعیدی فرد و منا صالحی (۱۳۹۲) مدیریت شهری در جهان، دانشگاه امام رضا (ع) مشهد.
۵. رفیع‌یان، مجتبی و سیدعلی حسین‌پور (۱۳۹۰)، ح‌کمروانی خوب شهری از منظر نظریات شهرسازی، انتشارات طحان/هله، چاپ اول.
۶. سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹)، کتاب سبز شهرداری، مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۷. شکوهی، حسن (۱۳۷۵)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی.
۸. طاهرخانی، حبیب‌الله (۱۳۷۹) بررسی موردی وظایف و اختیارات شهرداری‌ها، فصلنامه مدیریت شهری، شماره سوم.
۹. کارگر، بهمن (۱۳۸۳)، امنیت شهری، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۰. کارگر، بهمن (۱۳۹۰)، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی، با تأکید بر حاشیه جنوبی منطقه شهری تهران و اسلامشهر.
۱۱. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۲)، نوید سعیدی رضوانی، امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها، جلد یک، انتشارات سازمان شهرداری‌ها.
۱۲. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۶)، درآمدی بر الگوی حکمروایی شهری، جستارهای شهر سازی.

۱۳. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۴)، رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلان شهری تهران، *فصلنامه پژوهشهای اقتصادی*، شماره ۱۶.
۱۴. نقدی، اسداله (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، مهاجرت و حاشیه نشینی در ایران، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۷۴/۷۳.
۱۵. هاشمی، سید مناف و همکاران (۱۳۹۰)، *سیاست‌های مدیریت شهری در کشورهای مختلف* (رویکرد راهبردی - فرا تحلیلی - یکپارچگی شهری)، انتشارات طحان (هله)، ناشر تخصصی معماری و شهرسازی.